

کتابخانه اسناد و کتابخانه مرکزی

شماره ثبت ۵  
شماره

دانشگاه امام صادق (ع)

دانشکده معارف اسلامی و حقوق

نقش معرفت از دیدگاه  
جامعه شناسی حقوقی و حقوق تطبیقی

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما: آقای دکتر نجاد علی الماسی

اساتید مشاور

آقای دکتر حمید بهرامی و آقای دکتر اسدالله امامی

نگارش از: قربانعلی پورمرجان

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته

رشته معارف اسلامی و حقوق خصوصی

تیرماه ۱۳۷۴

۷۵۶۸۸۷  
۱۱

۷۷۷۹

بِسْمِ تَعَالَى

دانشکده حقوق و معارف اسلامی، مسئول عقایدی که نویسنده

در این پایان نامه اظهار کرده است، نمی‌باشد.

فهرست مطالب

صفحه	
الف - ر	مقدمه ( طرح موضوع )
	فصل اول : "نقش عرف در حقوق"
	گفتار اول : تاریخچه عرف
۱	۱- ضرورت و اهمیت پویش تاریخی حقوق
۶	۲- رویه تاریخی پیدایش عرف و نقش گروهها در ایجاد آن
۸	۳- تاریخچه عرف به عنوان منبع حقوق در مکاتب مختلف حقوقی
	۴- عرف ابتدائی و انتقال از مرحله مذهبی به مرحله غیر مذهبی
۱۱	۵- عرف در قوانین قدیمی و توضیحی در مورد قانون حمورابی
۱۴	۶- عرف و عادات در روم قدیم و الواح دوازده گانه
۱۷	۷- عرف در جوامع فئودالی
۲۳	۸- قضاوت در ادوار تاریخ ایران و جایگاه عرف در آن
۲۴	۹- تحول عرف در حقوق اسلام
۲۶	۱۰- عرف و شرع در عهد صفویه
۲۹	۱۱- عرف و شرع در ادوار بعد
۳۱	۱۲- دادگاههای عرفی در دورانهای چهارگانه تاریخ
۳۴	انگلیس
۳۶	گفتار دوم: بررسی مفاهیم مربوط به عرف ( تعریف و مقایسه آن با اصطلاحات حقوقی ... )

۷۹۶۹



۹۵	ج) دایوری عرف و پیروی حقوق از آن
۹۷	عرف به عنوان ضابطه تعیین علم اجتمالی
۹۸	کا ربرد عرف در تشخیص مفهوم اخلاق
۱۰۱	گفتار رسوم: بررسی نقش عرف در فقه اسلامی
۱۰۲	مبحث اول: مفهوم عرف و انواع آن
۱۰۲	مقدمه:
۱۰۳	تعاریف فقهی از عرف و انتقادات و رد بر آن
۱۰۸	ب) انواع عرف
۱۰۹	۱) عرف عملی و عناصر تشکیل دهنده آن
۱۱۱	۲) عرف لفظی
۱۱۲	۳) عرف عام و معانی ذوگانه آن
۱۱۳	۴) عرف خاص
۱۱۴	۵) عرف صحیح و عرف فاسد
۱۱۵	۶) عرف حکمی و عرف محلی
۱۱۶	۷) عرف مسلم و قراردادی
۱۱۷	۸) عرف حادث
۱۱۷	۹) عرف متاخر
۱۱۸	۱۰) عرف مقارن
۱۱۸	۱۱) عرف عقلاء
۱۱۸	۱۲) عرف غالب و مطرد
۱۲۰	مبحث دوم: شرایط اعتبار عرف در فقه اسلامی
۱۲۱	الف) اطراد و غلبه
۱۲۱	ب) عدم مخالفت و مغایرت با نص شرعی

۱۲۲	ج ( عدم تصریح برخلاف عرف
۱۲۲	د ( وجود عرف در زمان تصوف
۱۲۲	ه ( از عادات زمان پیشین و یا عرف معمول فعلی باشد
۱۲۲	و ( مورد پسند عقل باشد
۱۲۳	ز ( پسندیده باشد
۱۲۳	ح ( منبعث از اراده باشد
۱۲۳	مبحث سوم: حجیت عرف در فقه اسلامی
۱۲۳	الف) مبنای اقتدار عرف در فقه اسلامی
۱۲۴	ب ( نظر علمای اهل سنت و امامیه در مورد عرف
۱۲۴	ج ( طرز مختلف راهیابی عرف به قانندگان اسلامی
۱۲۸	د ( موارد خاص احتیاج به عرف در شرع
۱۳۰	ه ( دلیل عرف و عادت:
۱۳۱	۱) آیات قرآن
۱۳۱	۲) اخبار
۱۳۲	۳) اجماع
۱۳۲	۴) پاسخ پیامبر
۱۳۳	۵) قواعد عرفی
۱۳۳	۶) عمل فقهاء
۱۳۴	و ( ضرورت شناخت عرف در پیش فقهاء
۱۳۵	ز ( سنت و عرف
۱۳۷	ح ( عقل و عرف:

۱۴۱	(۱) بنای عقلا و عرف
۱۴۲	(۲) سیزده عقلا و سیره متشرعه
۱۴۶	همان‌هنگی حقوق اسلام با تغییرات اجتماعی ناشی از عرفها
۱۴۸	(۳) تعارض عرف با نصوص شرعی
۱۵۱	(۴) مصداقی و کاربردهای عرف در فقه
۱۵۳	گفتار چهارم: رابطه عرف و قانون :
۱۵۴	کلیات :
۱۵۴	قانون و ارتباط آن با سایر عوامل اجتماعی
۱۵۹	مبحث اول: مقایسه قانون و عرف
۱۵۹	الف) ممیزات قانون از عرف
۱۶۴	ب) موافقان و مخالفان عرف
۱۶۶	ج) مقایسه ارزش حقوق عرفی و قانون
۱۶۶	(۱) مزایای تقنین
۱۷۰	(۲) مزایای عرف (معایب تقنین)
۱۷۲	(۳) معایب عرف
۱۷۵	د) با وجود مزایای قانون نمی توان از عرف صرف نظر کرد....
۱۷۶	ه) لزوم اطاعت از قانون و راه تعدیل آن بوسیله عرف و عادت
۱۷۸	و) تاءثیر عرف بر قانون

- ۱۸۰ مبحث دوم: مبنای اقتدار عرف :  
 ۱۸۰ الف ( قوه ملزمه عرف ناشی از اراده قانونگذار راست :  
 ۱۸۱ - عرف ناشی از اراده ضمنی قانونگذار راست  
 ۱۸۲ - عرف ناشی از اراده صریح قانونگذار راست  
 ۱۸۴ ب ( مبنای اقتدار عرف ناشی از وجود ان عمومی است  
 ۱۸۴ ج ( مبنای اقتدار عرف ناشی از احکام قضا است  
 ۱۸۶ د ( مبنای اقتدار عرف ضرورتها ی اجتماعی است  
 ۱۸۷ مبحث سوم: تعارض عرف با قانون و راه حل رفع تعارض :  
 ۱۹۱ الف) تعارض میان عرف و قوانین امری و تفسیری  
 ۱۹۱ ب ( تعارض عرف با روح قانون  
 ۱۹۳ ج ( تعارض عرف با قوانین متروک  
 ۱۹۵ د ( تعارض عرف با عرف  
 ۱۹۶ فصل دوم: "نقش عرف در جامعه شناسی حقوقی"  
 ۱۹۷ گفتار نخست: عرف در جامعه شناسی و فلسفه حقوق  
 ۱۹۸ مبحث اول: بحثی پیرامون جامعه شناسی و حقوق  
 ۱۹۸ الف) لزوم توجه به مسائل اجتماعی (جامعه شناسی) در مطالعات حقوقی



- ۲۰۰ فلسفه حقوق و جامعه‌شناسی حقوقی (ب)
- ۲۰۲ رابطه جامعه‌شناسی و حقوق (ج)
- ۲۰۶ جامعه‌شناسی حقوقی (ب) - گسترش نظریه تفسیرهای حقوقی بر اساس جامعه‌شناسی و تکلیف بر عادات و عرفها در اوائل قرن بیستم
- ۲۰۷ نقش امیل دورکیم در جامعه‌شناسی
- ۲۱۱ جامعه‌شناسی حقوقی (ب) - جامعه‌شناسی حقوقی در نظرات گورویچ و وبر و انتقادات وارد بر آنها
- ۲۱۷ مببحث دوم: جامعه‌شناسی حقوقی و عرف:
- ۲۱۷ تاء شیروتاء ثرجا معه‌شناسی حقوقی و عرف
- ۲۱۸ (۱) ارسطو
- ۲۲۰ (۲) مارکس
- ۲۲۱ (۳) منتسکیو
- ۲۲۳ (ب) تمیزقوا عدحقوق از آداب و رسوم
- ۲۲۴ (ج) جنبه منفی عادات
- ۲۲۷ مببحث سوم: حقوق زنده و خودجوش:
- ۲۲۷ الف) حقوق زنده ارلیک و انتقادات وارد بر آنها
- ۲۳۲ ب) حقوق سا زمان یافته و سا زمان نایافته (خودجوش)
- ۲۳۴ ج) شباهت و تحول حقوق و گرایشهای دوگانه در فلسفه حقوق
- ۲۳۸ - وحدت و کثرت حقوق
- ۲۴۲ - آیا با وجود تنوع قوا عدحقوقی در نظامهای مختلف حقوقی وحدت حقوق بین کشورها میسر است؟
- ۲۴۴ گفتار دوم: عرف در مکاتب حقوقی

۲۴۴	گفتار دوم: عرف در مکاتب حقوقی
۲۴۵	مبحث اول: مکتب تاریخی حقوقی
۲۴۵	الف) مقدمه
۲۴۶	ب) معرفی مکتب تاریخی حقوق
۲۴۹	(۱) معتقدات مکتب تاریخی
۲۵۲	(۲) سرنوشت مکتب تاریخی در سا بربلاد (فرا نسه، انگلستان، آمریکا، آلمان)
۲۵۵	(۳) نقد مکتب تاریخی
۲۶۰	مبحث دوم: مکتبهای تحقیقی
۲۶۲	الف) معرفی مکتبهای تحقیقی
۲۶۲	ب) مکتب تحقیقی اجتماعی (مکتب حقوقی اصالت اجتماع یا مکتب پوزیتیویسم جامعه‌شناسی)
۲۶۴	ج) محل اشتراک مکتب تحقیقی اجتماعی و مکتب تاریخی حقوق
۲۶۵	د) محل افتراق مکتب پوزیتیویسم جامعه‌شناسی و مکتب تاریخی حقوق
۲۶۶	ه) مکتب تحقیقی حقوقی: (پوزیتیویسم حقوقی یا مکتب حقوق وضعی)
۲۶۸	و) اختلاف علمای پوزیتیویسم حقوق درباره نفوذ عوامل اجتماعی و اخلاقی در حقوق
۲۶۸	(۱) آنانکه در تعیین جوهر حقوق غیرا ز نیروی سیاسی دولت چیزی نمی بینند مانند کلسن و آستین انگلیسی - انتقادهای وارد بر مکتب تحلیلی آستین
۲۷۱	(۲) آنانکه در کنار قدرت سیاسی دولت، به ضرورت های اجتماعی و اخلاقی نیز به عنوان مبانی قواعد حقوق، ارزش قائل هستند، مانند ریپر فرانسوی
۲۷۱	(۳) مکتب رئالیسم آمریکا که در آن حقوق ناشی از آراء دادگاهها است

۲۷۲	مکتب‌جا معه‌شنا سی حقوقی امریکا و نظرات را سکوپا ند
۲۷۶	- ارزیابی مکاتب فوق
۲۷۸	گفتار سوم: عرف درجا معه‌شنا سی حقوقی ایران
۲۸۰	- اجرای عدالت و عرف
۲۸۴	- قبول فلسفه حقوق فطری یا فلسفه حقوق متغیر
۲۸۷	مبحث اول: واقعیت و حقوق با توجه به جا معه‌شنا سی حقوقی ایران:
۲۸۷	الف) تعارض واقعیت و حقوق
۲۸۹	ب) عوامل تشدید تعارض بین واقعیت و حقوق
۲۹۱	ج) تقابل عرف و اخلاق با قانون
۲۹۴	د) وابستگی شدید حقوق به مسائل اجتماعی و عرف
۲۹۷	ه) نقش عرف در زدودن پس‌افتادگی‌های شکلی و مفهومی حقوق
۲۹۹	مشکل اجرای قوانین یکسان در جوامع عرفی
۳۰۲	مبحث دوم: استفاده قانونگذاران ایران از عرف:
۳۰۲	الف) سکوت قانون
۳۰۴	ب) قلمرو کنونی عرف در حقوق ما
۳۰۸	ج) لزوم استناد به عرف در حقوق ایران
۳۱۰	د) نمونه‌هایی از قواعد کلی مربوط به عرف
۳۱۱	فصل سوم: "بحثی تطبیقی در مورد عرف"
۳۱۲	گفتار نخست: عرف در نظام حقوقی مدون
۳۱۲	الف) مقدمه
۳۱۴	ب) عرف در نظام قانون مدون (فرانسه، لبنان، مصر)

۳۱۴	ج ( انواع عرف در فرانسه ، لبنان و مصر
۳۱۸	(۱) عرف مکمل قانون
۳۱۹	(۲) عرف مفسر قانون
۳۲۰	(۳) عرف مخالف قانون
۳۲۰	د ( عرف در مراحل سه گانه تحول حقوق فرانسه
۳۲۱	(۱) تحول حقوق تا انقلاب فرانسه
۳۲۱	(۲) تحول حقوق بعد از انقلاب و دره امپراطوری
۳۲۱	(۳) تحول حقوق بعد از امپراطوری تا کنون
۳۲۲	گفتار دوم: عرف در نظام حقوقی انگلیس
۳۲۳	الف) قانون و عرف در حقوق انگلستان
۳۳۰	ب ( کامن لا و انصاف
۳۳۸	ج ( کاربرد سه گانه عرف در حقوق انگلیس
۳۴۰	د ( شروط تحقق عرف در انگلستان :
۳۴۰	(۱) معقول بودن
۳۴۳	(۲) قدمت
۳۴۴	(۳) کاربرد صلح جویانه
۳۴۵	(۴) تداوم
۳۴۵	(۵) الزامی بودن
۳۴۵	(۶) قطعیت
۳۴۵	(۷) عدم مخالفت با قانون
۳۴۵	(۸) موافقت با سایر عرفها
۳۴۶	ه ( شروط تحقق عرف در فرانسه :
۳۴۶	(۱) توافق مردم به اینک در موقع بروز قضیه معینی، قاعده خاصی را اعمال نمایند

۳۴۶	اعتقاد مردم به الزامی بودن قاعده
۳۴۶	گذشتن مدت نسبتاً "طولانی"
۳۴۶	در صورت اختلاف محاکم باید رجوع به قدمت آن قاعده تصمیم بگیرند
۳۴۷	اعتبار و ارزش عرف در حقوق اسلامی و حقوق انگلیس
۳۵۰	تقابل عرف و حقوق تطبیقی
۳۵۲	* نتیجه
۳۵۸	* فهرست منابع

مقدمه :

طرح موضوع :

موضوع رساله "بررسی نقش عرف ازدیدگاه جامعه‌شناسی حقوقی و حقوق تطبیقی" است. و از آنجا که وارد شدن به این موضوع نیاز به بحث در مورد کلیات و مفاهیم مربوط به عرف می‌باشد لذا فصل اول این تحقیق را به کلیات در مورد نقش عرف در حقوق اختصاص داده، و سپس در فصول بعدی وارد بحث جامعه‌شناسی حقوقی و حقوق تطبیقی شده‌ایم.

عرف که همانا عادات و رفتارهای منظمی است که در اثر تکرار مقبولیت عام پیدا کرده و نیز از ویژگی قدمت برخوردار است و از جانب همین عموم و یا گاهی از جانب قانون ضمانت اجرا پیدا می‌کند، امروزه به علت تحولات عمیق حقوق، به عنوان یکی از منابع حقوق در اکثر کشورهای گروه حقوق رومی ژرمنی، انگلوساکسون و حقوق اسلامی، با اختلاف درجات اهمیت، می‌باشد. و همواره در استنباط قضائی دادرسی، به عنوان وسیله‌ای در دست قاضی است که از آن استفاده می‌کند.

اجتماعات انسانی همه جا با حقوق همراه بوده و پیش از آنکه قانونگذاران

( الف )

وجود داشته باشند، حقوق وجود داشته است و این روابط اجتماعی ساده و بدوی جز بصورت عرف و عادت نبوده است، زیرا: "اولاً" طبع انسان با عرف و عادت سازگار است ثانیاً "در آن زمان وسیله‌ای جز عرف و عادت متصور نبود و لذا دوگی معتقد نبود که" در تاریخ مدنیت انسانی پیش از آنکه عرف و عادت متصور شود، قانون تحقق در آن زمان فنی حقوق مدخله کند، عرف و عادت خودبخود تشکیل می‌شد، و بعضی وسایل فنی را معلوم و مشخص می‌داشته است" (۱)

تنها برای این هر چه به عقب‌تر بزرگ‌تریم ما عرف و عادت راحتی در جوامع بدوی ملاحظه می‌کنیم و به همین خاطر است که مارگ رگلاند می‌گوید "در حقیقت عرف منبع اولی حقوق و نخستین مظهر آن است". (۲) ولی این امر کم‌کم، اهمیت خود را از دست داد و با تحولی که در زندگی اجتماعی بشر، با پیدایش کتابت پدید آمد. "کوششهای فراوانی می‌بذول گشت تا منابع دیگری را برای حقوق پیدا کنند و قوا بین سومی، جمهوری، امپراتوری که در حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح وضع و تدوین شده‌اند نشان بارز این تلاشهاست، ولی بسا از پیدایش این منابع، منبع عرف از بین نرفت و نظماً مهائی همچون انگلوسا کسون بوجود آمدند که بر پایه عرف استوار هستند. یکی دیگر از دلایل بقاء عرف این بود که قانون و حقوق به وسعتی نبود که همه جوانب زندگی اجتماعی را در برگیرد چرا که زندگی اجتماعی پویا است و مسائل مستحدثه‌ای را در خود می‌پروراند و قانون که چیز ثابت و بی‌روحی است، تمام زوایای آنرا در بر نمی‌گیرد و لذا همان‌طوریکه در متن نیز بسدان اشارت رفته است، مکاتب افراطی همچون مکتب تاریخی پیدا شدند که

۱- دکتر محمود سلجوقی، نقش عرف در حقوق مدنی ایران، رساله دکتری،

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۰

۲- همان منبع، ص ۱۰

( ب )

برای عرف‌ارزش فوق‌العاده‌ای در مقابل قانون معتقد بودند و کتابت یا به قالب درآوردن حقوق به شکل قانون را برخلاف حقیقت تاریخی می‌دانستند. <sup>۱</sup> و البته در مقابل این مکتب، مکتب اصالت قانون نیز ارزشی بمراتب کمتر به عرف قائل بود ولی به هر حال، هر دو افراطی یا تفریطی بودند و نفی هیچکدام از عرف و قانون ممکن نیست و هر دو از ضرورت‌های اجتماعی هستند.

اهمیت این بحث وقتی روشن می‌شود که ما حقوق خودمان را بررسی کنیم. در حقوق ایران نیز، قبل از دوران مشروطیت، احکام بر اساس عرف و عادت و فقه صادر می‌شد و قانونگذاری به نحو فعلی از وقتی شیوع یافت که ماشیوه قانونگذاری را از اروپا ثیا ن اقتباس نمودیم. از این تاریخ به بعد، عرف وقتی قابل استناد بود که قانون بدان اشاره می‌کرد و لذا قانونگذار ما، ماده ۳ آئین دادرسی مدنی را تصویب کرد که طبق آن در موارد اجمال، نقص، تناقض و سکوت قانون می‌توان به عرف و عادت رجوع نمود. بنا بر این از نظر تاریخی و اجتماعی این مسأله دارای ارزش زیادی است و در طول زمان، چنین مناقشات فکری بین علمای حقوق رخ داده و مکتب‌های در راستای آن بوجود آمدند و چون قانون اساسی ما از روش مکتوب‌پیروی نموده است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تغییراتی در آن داده شده است بایستی دید که ارزش سایر منابع حقوق بویژه عرف تا چه حدی است.

علل انتخاب این موضوع توسط نگارنده بطور اختصار عبارتند از:

(۱) در قوانین مدون ما، به کرات از عرف و عادت اسم برده شده بدون

اینکه تعریف و محدوده آن مشخص گردد.

(۲) با وجود استعمال زیاد این اصطلاحات در متون قانونی، قضات

در احکام خویش کمتر، از آن استفاده می‌کنند.



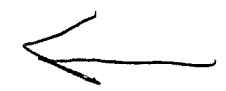
(۳) فواید عملی و نظری موضوع نسبت به موضوعات دیگر بیشتر است.  
(۴) تحقیق جامعی از سوی محققان در این رابطه، بویژه در مورد  
جامعه‌شناسی حقوقی صورت نگرفته است.

و با اشاره به (۵) و بالاخره باینستی ثابت شود که قاضی نباید خود را اسیر الفاظ  
شکل و ظاهر بماند و باید روح قانون سا زد و از عرف به عنوان مکمل یا مفسر قانون استفاده  
کند.

در این رساله در این مسیر نحوه استفاده از عرف باید مشخص گردد.  
در این رساله در این مسیر نحوه استفاده از عرف باید مشخص گردد.  
در این رساله در این مسیر نحوه استفاده از عرف باید مشخص گردد.  
در این رساله در این مسیر نحوه استفاده از عرف باید مشخص گردد.  
در این رساله در این مسیر نحوه استفاده از عرف باید مشخص گردد.

زاتیکجا در اختیار ما می نهد و به قول مولوی:  
حین بگو که ناطقه جو می کند تا به قرنی بعدما، آبی رسد  
گرچه هر قرنی سخنی آبی بود لیک گفت سالفان یاری بود

در گفتار دوم از این فصل، مفاهیمی را در ارتباط با عرف تعریف آن  
مورد تجزیه و تحلیل قرار داده ایم که از جمله آنها بررسی ارکان عرف و  
تفاوت عرف با عادت، سنت، معمول محل، مد و... و نیز شروط تحقق عرف  
می باشد و در ادامه این گفتار نمونه‌هایی از کاربردهای عملی عرف را  
بیان نموده ایم. گفتار سوم این بحث به بررسی نقش عرف در فقه اسلامی  
اختصاص پیدا کرده است که در آن تعریف علمای فقه از عرف و انتقادات  
وارد بر آنها و همچنین انواع عرف، شرایط تحقق عرف در فقه اسلامی و نظر  
علمای اهل تسنن و تشیع در مورد عرف، دلیل عرف و عادت، تطبیق مفاهیمی  
همچون عقل و سنت و سیره عقلا با عرف و بالاخره مصادیقی از عرف در فقه



مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. گفتار چهارم از فصل اول به رابطه عرف و قانون اختصاص یافته است که در آن به بررسی مفهوم قانون و عرف و تمیز بین آن دو، وجوه تشابه و افتراق بین آن دو، معایب و مزایای هر یک و بالاخره تاء شیر و تاء ثر آنها برهمدیگر و تعارض بین آن دو و نحوه حل تعارض، پرداخته شده است.

در فصل دوم این تحقیق که به نقش عرف در جامعه‌شناسی حقوقی و فلسفه حقوق اختصاص داده شده است، ابتدا فلسفه حقوق و جامعه‌شناسی حقوقی مورد شناسائی قرار گرفته و رابطه حقوق با جامعه‌شناسی مطرح شده، و نظرات جامعه‌شناسانی همچون ارسطو، مارکس، منتسکیو و غیره در رابطه با عرف مورد بررسی قرار گرفته است و سپس به تاء شیر و تاء ثر جامعه‌شناسی حقوقی و عرف پرداخته ایم و بحث مفصلی را در مورد حقوق زنده آرلیک و حقوق سازمان یافته و سازمان نیافته انجام داده ایم و بالاخره در خاتمه به وحدت و کثرت حقوق اشاره نموده ایم.

گفتار دوم این فصل به بحث پیرامون عرف در مکاتب حقوقی پرداخته است و در آن به چند نمونه از این مکاتب همچون مکتب تاریخی، مکتب تحقیقی اجتماعی و مکتب تحقیقی حقوقی و محل افتراق و اشتراک آنها و نیز انتقادات وارد بر آنها و بالاخره ارزیابی این مکاتب اشاره شده است. گفتار سوم این فصل به نقش عرف در جامعه‌شناسی حقوقی ایران اختصاص پیدا کرده است که در آن به مباحثی همچون اجرای عدالت و عرف، قبول فلسفه حقوق فطری یا فلسفه حقوق متغیر در حقوق ایران، تعارض واقعیت و حقوق، نقش عرف در زدودن پس افئادگیهای شکلی و ماهوی حقوق و... و بالاخره، قلمرو کنونی عرف در حقوق ایران و لزوم استناد به عرف در حقوق ایران پرداخته شده است.

فصل سوم رساله، اختصاص به بحث تطبیقی در مورد عرف دارد. البته

طوری

تفاوت

حکایت

هرچند که مادر میا حث قبلی بویژه در فصل اول نیز، بیشتر بصورت  
تطبیقی در حقوق فرانسه، لبنان، مصر، انگلیس و حقوق ایران بحث  
کرده ایم ولیکن در فصل سوم بصورت علیحده عناوین مشخصی را همچون شروط  
تحقق عرف در حقوق فرانسه، انگلیس و لبنان و مصر مورد بررسی قرار  
داده ایم و در خاتمه، به تقابل عرف و حقوق تطبیقی و امکان رسیدن به  
وحدت حقوقی در عرصه بین المللی در سایه حقوق تطبیقی اشاره نموده ایم.  
بعد از فصل سوم به نتیجه گیری از فصول سه گانه پرداخته ایم.

جلد ۵

# فصل اول:

## نقش عرف در حقوق